

نسخه مصور کتابی از رشیدالدین و حافظ ابرو در کتابخانه کاخ توپکاپی (خزینه ۱۶۵۳)

محمد رضا غیاثیان*

چکیده

نسخه «خزینه ۱۶۵۳» یکی از معدود نسخه‌های باقی مانده از جامع التواریخ رشیدالدین فضل‌الله است که تحت حمایت شخص مؤلف در ربع رشیدی استنساخ شده است. این نسخه در عهد شاهرخ، به هرات منتقل شد و چون بخش‌هایی از آن مفقود شده بود، به دستور شاهرخ تکمیل و نوسازی گردید. مأمور تکمیل نسخه، مورخ نامدار دوره تیموری، حافظ ابرو، تغییراتی در آن صورت داد که مهم‌ترین آنها جایگزینی بخش تاریخ ماقبل اسلام آن با جلد اول مجمع التواریخ خود است. مقاله حاضر به بررسی نسخه‌شناختی این کتاب بسیار پیچیده می‌پردازد. اهمیت این نسخه از چند جهت قابل ملاحظه است: اول، این نسخه یکی از سه نسخه تاریخ‌دار باقی مانده از جامع التواریخ استنساخ شده در ربع رشیدی است؛ دوم، تنها نسخه باقی مانده از مجمع التواریخ حافظ ابرو است که توسط خود مؤلف کتابت شده؛ و سوم، نسخه‌های متعددی در طول تاریخ به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از آن رونویسی شده و همین نکته برخی محققان معاصر را در شناسایی متن آنها گمراه کرده است.

کلیدواژه‌ها: جامع التواریخ، رشیدالدین فضل‌الله همدانی، مجمع التواریخ، حافظ ابرو، شاهرخ، خزینه ۱۶۵۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۴/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۲۹

* استادیار گروه مطالعات عالی هنر دانشگاه کاشان / mrgh73@yahoo.com

مقدمه

رشیدالدین فضل‌الله همدانی، وزیر باتدبیر غازان خان و اولجایتو، مجتمع چندمنظوره بزرگی معروف به «ربع رشیدی» را در شمال شرق شهر تبریز در سال ۷۰۹ق/۱۳۰۹م وقف نمود. ربع رشیدی شامل بخش‌های مختلفی از جمله دارالشفاء، بیت‌التعلیم، دارالحفاظ، مسجد، کتابخانه، خانقاه، دارالضیافه، حمام، مطبخ و حجره‌های متعدد بوده است.^۱ عمده منبع اطلاعات ما از این مجموعه عظیم عام‌المنفعه وقف‌نامه ربع رشیدی است که توسط خود رشیدالدین نوشته شده و اکنون در کتابخانه مرکزی تبریز است. یکی از وظایف این مجموعه که توسط رشیدالدین مقرر شده، کتابت قرآن و کتب دینی و تاریخی بود. طبق وقف‌نامه، سالانه باید یک مصحف سی‌جلدی و نیز کتاب جامع‌الاصول فی احادیث الرسول کتابت می‌شد. همچنین رشیدالدین کتابت دو اثر خود را نیز سفارش داده بود: یکی مجموعه الرشیدیه و دیگری جامع‌التواریخ که باید سالانه یک نسخه فارسی و یکی عربی کتابت می‌شد (Blair, 1984: 81; Idem, 1995: 14). در کتابت این نسخه‌ها از کاغذ بغدادی مرغوب در اندازه‌های بزرگ استفاده می‌شد.

کار نگارش کتاب سه‌جلدی جامع‌التواریخ، که «نخستین تاریخ عالم» نام‌گذاری شده، در دوران حیات غازان خان به سال ۷۰۰ق/۱۳۰۰م آغاز شد و در زمان حکومت اولجایتو در سال ۷۱۰ق/۱۳۱۰م پایان یافت (Boyle, 1971; Melville, 2008: 462). جلد اول که تاریخ مبارک‌غازانی نام دارد شامل تاریخ مغولان و ترکان است که نگارش آن در ۷۰۳ق/۱۳۰۳م پیش از وفات غازان خان به اتمام رسید. جلد دوم، که در ۷۰۶ق/۱۳۰۶م به اولجایتو تقدیم شد، شامل دو بخش است که بخش اول آن در باب تاریخ اولجایتو از بین رفته است. بخش دوم جلد دوم، در برگیرنده چند فصل می‌باشد؛ اولین فصل به تاریخ پیامبران از زمان آدم تا زمان ظهور اسلام و پادشاهان پیش از اسلام اختصاص دارد. سایر فصول جلد دوم شامل تاریخ اسلام تا زمان انقراض عباسیان در سال ۶۵۶ق/۱۲۵۸م، تاریخ سلسله‌های پادشاهی هم‌عصر، مانند غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان، سلغریان و

۱. برای مطالعات تفصیلی درباره ربع رشیدی نک: Blair, 1984; Idem, 1996; Hoffmann, 1997; Blair, 2007; و کی‌نژاد و بلالی اسکویی، ۱۳۹۰.

ضمیمه‌ای در باب فاطمیان و اسماعیلیان می‌باشد. آخرین فصل درباره تاریخ اقوام و ملل غیر مغول شامل ترکان اغوز، ختای یا چین، بنی اسرائیل، افرنج و هندیان می‌باشد. جلد سوم اثری جغرافیایی تحت عنوان «صور الاقالیم و مسالک الممالک» بوده که از میان رفته یا تا کنون به دست ما نرسیده است (Melville, 2008: 463؛ روشن و موسوی، ۱۳۹۴: سی و شش - سی و نه).^۱

امروزه سه نسخه از جامع التواریخ، که محصول ربع رشیدی بوده، باقی مانده که متأسفانه هیچ کدام کامل نیستند؛ بدین معنی که نه تنها تمام اوراق آنها به دست ما نرسیده، بلکه در زمان استنساخ نیز کامل نشده است.^۲ هر سه کتاب شامل قسمت‌هایی از بخش دوم جلد دوم است. یکی از آنها نسخه‌ای به زبان عربی است که در دو بخش در کتابخانه دانشگاه ادینبرو در اسکاتلند و مجموعه خلیلی در لندن نگهداری می‌شود.^۳ دیگری نسخه‌ای به زبان فارسی است که در کتابخانه کاخ توپکاپی با شماره دسترسی خزینه ۱۶۵۴ محفوظ است.^۴ نسخه دیگر که این نوشتار به آن می‌پردازد، خزینه ۱۶۵۳ به زبان فارسی در

۱. برای اطلاعات بیشتر در باب محتوای جامع التواریخ، نک: Melville, 2008: 463; Browne, 1908.

۲. به جز نسخ ذکر شده، نسخه‌ای دیگر از جامع التواریخ که در زمان رشیدالدین استنساخ شده باقی مانده است. این کتاب به زبان فارسی و در شعبان ۷۱۷ق در بغداد کتابت شده، و در کتابخانه کاخ توپکاپی با شماره دسترسی Revan 1518 محفوظ است. این نسخه که جلد اول جامع التواریخ را شامل می‌شود، فاقد نگاره است، ولی فضاهای خالی برای تصویرگری در آن در نظر گرفته شده است. با وجود اهمیت آن به عنوان قدیمی‌ترین نسخه باقی مانده از جلد اول جامع التواریخ، تاکنون پژوهشی روی آن انجام نگرفته است (نک: Karatay, 1961: no. 139).

۳. نسخه عربی جامع التواریخ دارای تاریخ انجام ۷۱۴ق است که بخشی از آن در کتابخانه دانشگاه ادینبرو (شماره دسترسی: Or.MS 20) و بخشی از آن در مجموعه خلیلی در لندن (شماره دسترسی: mss727) محفوظ است. در ادینبرو، ۱۵۱ برگ شامل ۷۰ نگاره و در مجموعه خلیلی ۵۹ برگ شامل ۲۰ نگاره از این نسخه نگهداری می‌شود. برای چاپ تصاویر تمام اوراق محفوظ در مجموعه خلیلی، نک: Blair, 1995؛ و برای بازنشر تصاویر تمام نگاره‌های اوراق محفوظ در ادینبرو، نک: Rice, 1976. اوراق جامع التواریخ در دانشگاه ادینبرو به صورت آنلاین در نشانی ذیل قابل مشاهده هستند (تاریخ دسترسی: شهریور ۱۳۹۶):

<http://images.is.ed.ac.uk/luna/servlet/view/all/what/Or.Ms+20>

۴. واژه «خزینه» معادل کلمه Hazine در زبان ترکی است. انجامه خزینه ۱۶۵۴ در برگ ۳۵۰، تاریخ سوم جمادی الاول ۷۱۷ق را نشان می‌دهد. کتابت تمام اوراق این نسخه (به استثنای ۲۷ برگ که در دربار شاه رخ بدان افزوده شده) در ربع رشیدی صورت گرفته است. کاتب نسخه، فضای خالی برای نگاره‌های آن در نظر گرفته و تنها سه نگاره در ابتدای کتاب (بر دو روی برگ ۵) کار شده و نسخه ناتمام مانده است. با توجه به تاریخ اعدام رشیدالدین در سال ۷۱۸ق/۱۳۱۸م و غارت ربع رشیدی در همان سال، ناتمام ماندن نسخه منطقی به نظر می‌رسد. این کتاب ←

توپکاپی است که بخش‌هایی از آن متعلق به نسخه‌ای از جامع‌التواریخ محصول ربع رشیدی است. هر سه نسخه مذکور، مصوّر، و دارای انجامه‌های تاریخ‌دار هستند. خزینه ۱۶۵۳ و نسخه عربی در سال ۷۱۴ق/۱۳۱۴م و خزینه ۱۶۵۴ سه سال بعد به انجام رسیده‌اند. تعداد ۱۶۲ نگاره از مجموع ۳۳۱ نقاشی روایت‌گرانه موجود در این سه نسخه، در ربع رشیدی کار شده است و اینها تنها نقاشی‌هایی هستند که بدون تردید می‌توان آنها را به یادگار باز مانده از آن کارگاه دانست.^۱ از آنجایی که سالانه باید یک جلد به زبان فارسی و یکی به زبان عربی کتابت می‌شد، نسخه‌های فارسی در مقایسه با نسخه عربی با سرعت بیشتری تولید شده و در نگاره‌ها نیز از رنگ طلایی و نقره‌ای کمتری استفاده شده تا هزینه استتساخ کاهش یابد (Blair, 2007: 63).

ویژگی متمایز خزینه ۱۶۵۳ تغییراتی است که یک قرن بعد در کتابخانه سلطنتی شاهرخ پادشاه تیموری در آن صورت می‌گیرد. شاهرخ که علاقه وافری به گردآوری آثار رشیدالدین داشت، مورخ نامدار دربار خویش، حافظ ابرو، را به تکمیل بخش‌های از بین رفته کتاب می‌گمارد. حدود نیمی از اوراق نسخه موجود، که با ۴۷ نگاره مصوّر شده، محصول کتابخانه شاهرخ است. قابل توجه این که حدود یک‌سوم متن این نسخه را مجمع‌التواریخ حافظ ابرو تشکیل می‌دهد و مابقی اثر رشیدالدین است.

قابل ذکر است که سه نقاشی ایلخانی نسخه خزینه ۱۶۵۳، به سال ۱۹۳۴ در مقاله محمدآقا-اوغلو، محقق ترک، چاپ، و برای اولین بار این نسخه به‌عنوان جامع‌التواریخ رشیدالدین معرفی شد (Aga-Oglu, 1934). در سال ۱۹۵۵م ریچارد اتینگهاوزن در مقاله‌ای به معرفی این کتاب با «عنوان نسخه‌ای مصوّر از حافظ ابرو» پرداخته است (Ettinghausen, 1955). او در مقاله خود نقاشی‌های دوره تیموری این نسخه را بررسی کرده، و برای اولین بار سبک مصورسازی متون تاریخی در دربار شاهرخ را به ما شناسانده

→

در مقایسه با خزینه ۱۶۵۳، فضای نوشتاری کوچک‌تر (۲۴۰×۳۴۰ میلی‌متر) و تعداد سطرهای کمتر در صفحه (۳۱ سطر) دارد (نک: Inal, 1963; Idem, 1992). برای بررسی مفصل این نسخه نک: Ghiasian, 2018b. ۱. «نقاشی روایت‌گرانه» به نگاره‌هایی اطلاق می‌شود که به مصورسازی یک داستان یا روایت می‌پردازند. نقاشی‌های غیرروایتگر در جامع‌التواریخ طراحی‌هایی هستند که به‌طور تخیلی از پادشاهان چین و فرانک‌ها کشیده شده و فاقد ترکیب‌بندی هستند.

است. در ۱۹۶۵م گونر اینال در پایان‌نامه دکتری خود در دانشگاه میشیگان آمریکا به بررسی نقاشی‌های ایلخانی این نسخه پرداخته است (Inal, 1965). پس از آن، تقریباً تمام متونی که از این کتاب سخن به میان آورده‌اند، به اتینگهاوزن و اینال ارجاع داده‌اند. با این حال، به دلیل نواقص این دو پژوهش، حقایق بسیاری درباره نسخه مورد بررسی و پیچیدگی‌های خاص آن پوشیده مانده است. تحقیق پیش رو که حاصل بررسی و آزمایش دقیق اصل نسخه و نیز چند نسخه مرتبط دیگر در ایران، ترکیه، دانمارک، آلمان، فرانسه و انگلیس است، داستان سفرهای خزینه ۱۶۵۳ از شمال غرب ایران به شمال شرق و در نهایت، به دربار عثمانی را بازگو می‌کند. یکی دیگر از اهداف این نوشتار واکاوی تغییرات انجام شده در نسخه در دوره‌های تیموری، صفوی و عثمانی است. نوسازی این کتاب در دوران تیموری اهمیتی ویژه دارد که در این مجال به علل و انگیزه‌های آن نیز پرداخته خواهد شد.

بررسی متن نسخه

نسخه هم افتادگی و هم اوراق جابه‌جا شده دارد. مضاف بر این، عکس‌های تحویل گرفته شده از کتابخانه کاخ توپکاپی نیز مشوّش است. به همین دلیل، ماه‌ها زمان صرف مرتب کردن عکس‌ها و مقایسه متن با سایر نسخ (مانند خزینه ۱۶۵۴) و نیز بخش‌های چاپ‌شده توسط کارل یان شد (Jahn, 1969; Idem, 1971; Idem, 1977). با بررسی دقیق خزینه ۱۶۵۳ و سایر نسخ مرتبط آشکار شد که بخش تاریخ پیش از اسلام آن شامل جلد اول مجمع‌التواریخ حافظ ابرو است و سایر بخش‌های آن (از تاریخ اسلام تا انتهای تاریخ هند) جامع‌التواریخ رشیدالدین را در بر می‌گیرد. از انجامه‌های تاریخ ماقبل اسلام و نیز تاریخ افرنج استنباط می‌شود که این بخش‌های کتاب به دست خود حافظ ابرو نگاشته شده است، و این درجه اعتبار نسخه را می‌رساند، چه از معدود نسخه‌های ایرانی است که یک مؤلف به دست خود، متن آن را به رشته تحریر درآورده است. به این سؤال که چرا بخش‌های مختلف کتاب از دو عصر مختلف با فاصله زمانی ۱۱۵ سال است، در مقدمه‌ای که حافظ ابرو به دست‌خط خود نوشته پاسخ داده شده است. وی در ذیل «ذکر سبب تألیف کتاب» تاریخچه این نسخه را چنین شرح می‌دهد (تصویر ۱):

«در این اثنا حضرت اعلاء خلدالله تعالی ملگه و سلطانه فرمودند که کتاب رشیدی را که اولش ضایع شده بود تمام می‌باید ساخت بنده کمینه به عرض رسانید که قسم اول این کتاب که از زمان آدم است علیه‌السلام تا ابتدای احوال حضرت رسالت صلی الله علیه و سلم چون این کتاب که حالا نبشته شده است بعد از مطالعه رشیدی و طبری و کامل و چند نسخه دیگرست اگر از آنجا نقل کرده آید اولی باشد فرمودند که شاید بنابراین مقدمات ربع اول از آن کتاب که از بهر کتب‌خانه شاهزاده اعظم نبشته شده بود نقل افتاد و قبل از شروع در مقصود فصلی در تعریف تاریخ و فواید آن ایراد کرده می‌آید تا مطالعه‌کنندگان را درین علم رغبت افزایش دهد» (خزینه ۱۶۵۳: گ ۳پ).

همان‌طور که در این متن آمده است، در دربار شاهرخ نسخه‌ای از جامع‌التواریخ رشیدی وجود داشته که بخش اول آن از بین رفته بوده است. بخش اول کتاب شامل تاریخ از زمان خلقت آدم تا ابتدای پیدایش اسلام بوده است. شاهرخ به حافظ ابرو می‌فرماید که بخش ناقص را کامل کند. در آن زمان، حافظ ابرو، به سفارش بایسنغر پسر سوم شاهرخ، مجمع‌التواریخ را که فاصله زمان خلقت تا ظهور اسلام را در بر می‌گرفت، نگاشته بود. بنابراین، به شاهرخ پیشنهاد می‌دهد که کلّ بخش اول کتاب را از مجمع‌التواریخ خود بگیرد؛ پیشنهاد مورد قبول قرار می‌گیرد. با این توصیف، خزینه ۱۶۵۳ را می‌توان نسخه‌ای از مجمع-جامع‌التواریخ به حساب آورد که تاریخ پیش از اسلام آن را مجمع‌التواریخ حافظ ابرو تشکیل می‌دهد. ظاهراً بخش جامع‌التواریخ نسخه نیز در چند محل ناقص بوده که توسط حافظ ابرو تکمیل شده است. اگرچه این قسمت‌ها به دست خط حافظ ابرو است، اما مقایسه این متون با سایر نسخ جامع‌التواریخ (از جمله خزینه ۱۶۵۴) نشان می‌دهند که این بخش‌ها به‌طور صحیح از کتاب رشیدالدین رونویسی شده‌اند.

فهرست مطالب خزینه ۱۶۵۳ چنین است: مقدمه (اوراق ۱پ-۶ر)؛ آدم و حوا (اوراق ۶پ-۱۰ر)؛ از پیغمبری شیث تا زمان نوح نبی (اوراق ۱۰ر-۱۳ر)؛ پادشاهی پیشدادیان (اوراق ۱۳ر-۲۷پ)؛ تاریخ پیامبران از فرزندان نوح تا زمان سلیمان (اوراق ۲۷پ-۷۴ر)؛ پادشاهی کیانیان (اوراق ۷۴ر-۹۲ر)؛ تاریخ اسکندر و پیامبران پس از او (اوراق ۹۲ر-۱۰۰پ)؛ اشکانیان (اوراق ۱۰۱ر-۱۰۲پ)؛ پادشاهان روم و عرب پس از اسکندر (اوراق ۱۰۲پ-۱۱۰ر)؛ ساسانیان (اوراق ۱۱۰ر-۱۴۸ر)؛ تاریخ اسلام از اجداد حضرت

رسالت^(ص) تا بیعت امام حسن^(ع) (اوراق ۱۴۹-۱۹۸پ)؛ بنی امیه (اوراق ۱۹۸-۲۱۹ر)؛ بنی عباس (اوراق ۲۱۹-۲۶۶پ)؛ غزنویان (اوراق ۲۶۷-۳۰۲ر)؛ سلجوقیان (اوراق ۳۰۲-۳۲۸پ)؛ خوارزمشاهیان (اوراق ۳۲۹-۳۳۸پ)؛ سلغریان (اوراق ۳۳۹-۳۴۱پ)؛ فاطمیان (اوراق ۳۴۲-۳۵۸ر)؛ اسماعیلیان (اوراق ۳۵۸-۳۷۵ر)؛ ترکان اغوز (اوراق ۳۷۵-۳۹۱ر)؛ پادشاهان ختای (اوراق ۳۹۱-۴۱۰پ)؛ تاریخ افرنج (اوراق ۴۱۱-۴۲۱پ)؛ و تاریخ هند (اوراق ۴۲۲-۴۳۵پ).

نکته قابل توجه در مورد محتوای خزینه ۱۶۵۳ حذف شدن تاریخ بنی اسرائیل از بخش جامع التواریخ آن است. تاریخ بنی اسرائیل در خزینه ۱۶۵۴ مابین تاریخ ختای و افرنج، در ۴۵ صفحه (اوراق ۲۷۲-۲۹۴پ) کتابت شده است. در باب سبب حذف تاریخ بنی اسرائیل می توان فرض کرد که محتوای این بخش از جامع التواریخ به گونه ای موازی با تاریخ پیامبران است. از آنجایی که حافظ ابرو در بخش اول کتاب، تاریخ مفصلی از زندگانی پیامبران آورده بود، تصمیم گرفته که بخش تاریخ بنی اسرائیل را از نسخه حذف کند. به علاوه، همان گونه که برخی محققان به طور مفصل بحث کرده اند، بخش تاریخ بنی اسرائیل جامع التواریخ بر اساس منابع یهودی و کتاب عهد عتیق نوشته شده و فاقد نقل قول های قرآنی بوده است، تا آنجا که به نظر می رسد برخی از قسمت های آن ترجمه دقیق کتاب عهد عتیق باشد (Jahn, 1973: 11-12; Milstein, 1986: 203-206; Natif, 2013). بنابراین، سبب دیگری که می توان برای حذف تاریخ بنی اسرائیل متصور شد این است که خواسته اند کتاب هم سوتر با تألیفات مورخان مسلمان به نظر بیاید.

لازم به ذکر است که مجمع التواریخ حافظ ابرو در مقایسه با جامع التواریخ رشیدالدین بسیار مفصل تر و مبسوط تر نگاشته شده است. به عنوان مثال، بخش تاریخ قبل از اسلام مجمع التواریخ حدود سه برابر همین بخش در جامع التواریخ است. این بخش در نسخه جامع التواریخ معروف توپکاپی (خزینه ۱۶۵۴) در ۵۱ برگ کتابت شده (اوراق ۱پ-۵۱پ) که هر برگ شامل ۳۱ سطر از متن می باشد؛ در حالی که آن بخش در نسخه ۱۶۵۳ روی ۱۴۸ برگ نوشته شده (اوراق ۱پ-۱۴۸ر) که هر برگ دارای ۳۵ سطر متن است. همین طور، بخش تاریخ اسلام مجمع التواریخ حدود چهار برابر مبسوط تر از همین بخش در جامع التواریخ است.

اهمیت خزینه ۱۶۵۳ در دوره‌های مختلف از اینجا معلوم می‌شود که نسخه‌های زیادی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از روی آن رونویسی شده است. در میان نسخه‌های موجودی که به متن آنها دسترسی داشته‌ایم، حداقل شش کتاب را می‌توان نام برد که محتوای آنها تقریباً با خزینه ۱۶۵۳ یکسان است، یا در حقیقت نسخه‌هایی از مجمع - جامع التواریخ هستند. آنها نیز همانند خزینه ۱۶۵۳ با متن ذیل آغاز می‌شوند:

«آغاز کتاب داستانها مجموع فذلک بیانها حمد و ثنا و آفرین مالک الملکی تواند بود که انشاء موجودات لمعه‌ای از اشعه انوار قدرت اوست و ابداع مکنونات شمه‌ای از آثار شوکت و عظمت او هو الاول و الاخر و الظاهر و الباطن اولی نه بتقدم و بدایت آخری نه بتأخر و نهایت ظاهری نه بروز و اشتها باطنی نه بکمون و استتار تعالی الله الملك الحق لا اله الا هو رب العرش الکریم».

مهم‌ترین آنها کتابی مصور است که به‌عنوان نسخه پراکنده مجمع التواریخ شهرت دارد و امروزه در بیش از پنجاه مجموعه خصوصی و دولتی در سراسر جهان نگهداری می‌شود.^۱ بررسی‌های دقیق نگارنده نشان می‌دهد که چند سال پس از تکمیل خزینه ۱۶۵۳ در کتابخانه شاهرخ، این نسخه نیز در همان کارگاه استنساخ شده است. پنج نسخه دیگر در مجموعه‌های ذیل موجود است: مؤسسه زبان‌های شرقی سنت پترزبورگ (شماره دسترسی: ms. 273)،^۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی (نسخه ۹۴۴۷)، و سه نسخه در کتابخانه ملی ایران (به شماره‌های ۹۲ف، ۱۱۶۸۵-۵ و ۱۱۵۷۵-۵). از آنجایی که تمامی این نسخه‌ها از روی خزینه ۱۶۵۳ استنساخ شده‌اند، تواریخ موجود در متن آنها نیز یکسان است. به‌عنوان مثال، همان تاریخی که در مقدمه نسخه خزینه ۱۶۵۳ برای تألیف اثر ذکر شده، در نسخه‌های متأخر نیز ثبت شده است: «درین وقت و زمان که تاریخ هجری به هشتصد و بیست و هشت رسیده است...» (خزینه ۱۶۵۳: گ ۲پ).

تاریخچه پیچیده خزینه ۱۶۵۳ و نسخه‌های متعدد رونویسی شده از آن، محققان را در تمایز متن جامع التواریخ از مجمع التواریخ دچار اشتباه کرده است. به‌عنوان مثال، به تازگی محمد روشن بخش‌هایی از جامع التواریخ را با عنوان «تاریخ ایران و اسلام» تصحیح و در

۱. برای اطلاعات تفصیلی درباره نسخه پراکنده مجمع التواریخ، نک: Ghiasian, 2015 و Idem, 2018a.
 ۲. شمس‌آغازین نسخه دلالت بر این دارد که این کتاب متعلق به خزانه کتب بایسنغر میرزا، پسر شاهرخ بوده است (برای شرح تفصیلی این نسخه نک: Dorn Rost, 1852: 267-269; Rosen, 1971: 52-82).

سه مجلد چاپ نموده است (رشیدالدین، ۱۳۹۲)، در حالی که محتوای بخش تاریخ پیش از اسلام آن (یعنی جلد اول کتاب) کاملاً منطبق با جلد اول مجمع التواریخ حافظ ابرو است.^۱ پیش از دوران صفوی چند برگ از انتهای خزینه ۱۶۵۳ افتاده، به گونه‌ای که جمله پایانی نسخه بر برگ ۴۳۵ پ ناتمام مانده است.^۲ نسخه کتابخانه مجلس و سه نسخه محفوظ در کتابخانه ملی با همان جمله ناقص پایان می‌یابند. از آنجایی که نسخه پراکنده با خزینه ۱۶۵۳ معاصر است، پایانش ناتمام نیست. جالب این که کاتبان نسخه‌های ۱۱۶۸۵-۵ و ۱۱۵۷۵-۵، موجود در کتابخانه ملی، محل تصویر در نسخه الگوی خود را با چند سطر خالی مشخص کرده و گاهی توصیف مختصری از نگاره‌ها در حاشیه یا سطور خالی نوشته‌اند. از آنجایی که توصیف نگاره‌ها با خزینه ۱۶۵۳ تطابق دارد، می‌توان گفت که آنها قطعاً قبل از انتقال الگوی خود به استانبول رونویسی شده‌اند.

مشخصات نسخه

خزینه ۱۶۵۳ دارای ۴۳۵ برگ است که بر کاغذی به قطع بسیار بزرگ (۳۷۷×۵۴۲ میلی‌متر) کتابت شده است. اندازه فضای نوشتاری اوراق تیموری کتاب ۳۱۱×۲۳۲ میلی‌متر و برگه‌های ایلخانی آن ۲۶۰×۳۷۳ میلی‌متر می‌باشد. تمامی اوراق نسخه ۳۵ سطر متن یا متن و تصویر دارند که به خط نسخ توسط چند کاتب نگاشته شده است. اثرات نخ‌های ابریشمی مسطر در برگه‌های ایلخانی و تیموری این نسخه مشهود است.

مجموعاً سه انجامه در نسخه وجود دارد که یکی متعلق به ربع رشیدی و دو تای دیگر مربوط به متن حافظ ابرو است. انجامه دوره ایلخانی بر برگ ۳۷۵، تاریخ اواخر جمادی الاخر ۷۱۴ هجری قمری را دارد و بدین شرح است: «تمام شد تاریخ اسماعیلیه و نزاریه از مصنفات مخدوم اعظم عدل سلطان الوزرا فی العالم رشید الحق و الدنیا و الدین عماد الاسلام و المسلمین اعز الله انصار دولته بیاری باری عز اسمه فی اواخر جمادی الاخر سنه

۱. لازم می‌دانم از چارلز ملویل برای معرفی نسخه مصحح محمد روشن تشکر کنم. برای نقد و ارزیابی تصحیح روشن توسط ملویل نک: Melville, 2016: 205-207.

۲. خزینه ۱۶۵۳ با این عبارت از تاریخ زندگانی بودا پایان می‌یابد: «میستری در آن حال بر سر جمع گوید که این راه که من نهاده‌ام بحقیقت شاکمونی نهاده است و خلاق را بر ارادت و محبت من او انگیخته و امتان میستری چهار صد کوتی باشند و هر کوتی صد بار صد هزار باشد و او با چندان پیروان در شهر کنیمت ساکن باشد و میستری».

اربع عشره و سبعمانه بخط العبد المسکانی الحافظ و الحمد لولیه و الصلوه و السلام علی نبیه محمد و آله الطیبین الطاهرین اجمعین» (تصویر ۲).

در انجنامه تاریخ پیش از اسلام نسخه (بر برگ ۱۴۸ر) تصریح شده که نگارش قسم اول کتاب در ششم محرم سال ۸۲۹ق به دست خود مؤلف، حافظ ابرو، به اتمام رسیده است: «تمت قسم الاول کتاب فی سادس محرم الحرام سنه تسع و عشرين و ثمان مائه علی ید المؤلف العبد الضعیف احوج خلق الله تعالی عبدالله بن لطف الله بن عبدالرشید البهدادنی محتدا و الهروی مولدا المدعو بحافظ ابرو وفقه الله لمراضیه و جعل مستقبل عمره خیرا من ماضیه» (تصویر ۳).

سومین انجنامه نسخه نیز در پایان تاریخ افرنج بر برگ ۴۲۱پ، تاریخ ماه شعبان سال ۸۲۹ق را دارد: «تمت کتاب تاریخ الافرنج علی ید العبد الفقیر عبدالله بن لطف الله المدعو بحافظ ابرو فی شهر شعبان سنه تسع و عشرين و ثمان مائه».

شواهد نشان می‌دهند که این نسخه در دوره صفوی مجدداً نوسازی شده است. تغییراتی که در دوره صفوی صورت گرفته شامل تعویض حاشیه تمام اوراق با کاغذهای صورتی‌رنگ و نیز افزودن چهار سرلوح مذهب است (تصویر ۴). هیچ مدرکی در نسخه برای انتساب این تغییرات به کارگاهی خاص وجود ندارد، اما می‌دانیم که حاشیه اوراق نسخه‌های متعددی در دوران صفوی با این کاغذهای صورتی‌رنگ تعویض شده است. بهترین مثال، نسخه خزینه ۱۶۵۴ است که تغییرات دقیقاً مشابهی در آن اعمال شده و بر صفحه آغازین آن شمشه‌ای وجود دارد که عبارت «برسم کتابخانه... فرهادخان قرمانلو» در آن به چشم می‌خورد. فرهادخان یکی از امرای شاه عباس بود که در ۱۰۰۷ق/۱۵۹۸م به دستور شاه به قتل رسید و این احتمال که خزینه ۱۶۵۳ نیز زمانی در کتابخانه وی بوده باشد بعید نیست.

یک مهر سلطنتی بر حاشیه اولین صفحه کتاب اثبات می‌کند که خزینه ۱۶۵۳ چند سال یا چند دهه قبل از سال ۱۷۳۰م میلادی به استانبول منتقل شده است. این مهر متعلق به سلطان احمد سوم (حک: ۱۷۰۳-۱۷۳۰م) بوده است. در حال حاضر، نسخه دارای جلد چرمی زرکوب قرمز رنگ با مهر طغرای سلطان عبدالحمید دوم (حک: ۱۸۷۶-۱۹۰۹م) سی و چهارمین پادشاه عثمانی است. جلد این کتاب مانند سایر نسخی که برای سلطان

عبدالحمید دوم در کاخ ییلدیز^۱ (ییلدیز: ستاره) استانبول صحافی شده کتیبه «ذوالوجهین کتبخانه همایونی» را بر خود دارد. کتاب به صورت چهار جلد مجزا صحافی شده است؛ جلد اول: تاریخ پیش از اسلام (اوراق ۱-۱۴۸)، جلد دوم: تاریخ اسلام تا انقراض سلسله عباسیان (اوراق ۱۴۹-۲۶۶)، جلد سوم: تاریخ غزنویان تا سلغریان فارس (اوراق ۲۶۷-۳۴۱) و جلد چهارم: تاریخ اسماعیلیان تا زندگی بودا (اوراق ۳۴۲-۴۳۵). وجود برگه‌های نانویس این امکان را داده که نسخه را در چهار مجلد صحافی کنند تا حجم بسیار بزرگ کتاب کاهش یابد. این صفحات خالی شامل آخرین صفحه جلد اول (برگ ۱۴۸ پ)، اولین صفحه جلد سوم (برگ ۲۶۷ ر) و اولین صفحه جلد چهارم (برگ ۳۴۲ ر) است.

خزینه ۱۶۵۳ در وضعیت فعلی اش از چهار نوع کاغذ متفاوت تشکیل شده است: کاغذهای بغدادی کرمی رنگ صیقلی تولیدشده در ربع رشیدی؛ کاغذهای نخودی رنگ هراتی؛ کاغذهای صورتی رنگ حاشیه (اضافه شده در دوره صفوی)، و کاغذ آستر بدرقه صورتی رنگ اضافه شده در دربار عثمانی. مرز فضای نوشتار و حاشیه برگ‌ها با یازده خط باریک با ضخامت‌های مختلف در رنگ‌هایی چون اخراپی، قهوه‌ای، سیاه، آبی، سفید و طلایی تزیین شده است.

دو برگ کتاب (پس از برگ‌های ۸۹ و ۱۵۷) و نیز چند برگ در انتهای آن مفقود است. جالب این‌که در قسمت پایین فضای نوشتاری اوراق ۸۹ پ و ۱۵۷ پ، شخصی به خط نستعلیق نوشته «اینجا ورق در می‌باید». شاید این یادداشت به هنگام تعویض حاشیه‌های کتاب و به احتمال بیشتر، زمانی اضافه شده است که این نسخه الگویی برای دو نسخه محفوظ در کتابخانه ملی (۱۱۶۸۵-۵ و ۱۱۵۷۵-۵) بوده است. رکابه‌های فعلی نسخه پس از تعویض حاشیه‌های کتاب در گوشه داخلی فضای نوشتار اضافه شده است.

خزینه ۱۶۵۳ در مجموع ۱۱۶ نگاره دارد که ۶۹ فقره آن محصول ربع رشیدی بوده و مابقی در دوران تیموری بدان افزوده شده است.^۲ افزون بر این، ۲۷ صفحه شامل

1. Yıldız Saray

۲. گونر اینال در پایان‌نامه خود، به اشتباه، تعداد نقاشی‌های ایلخانی این نسخه را ۶۸ عدد تعیین کرده است (Inal, 1965: 43; Blair, 1995: 28, 64; Idem, 1975: 142-143). او نگاره «بر تخت نشستن مجدالدوله» بر برگ ۲۸۰ پ را از قلم انداخته است. وی شماری از نقاشی‌ها را هم به اشتباه نام‌گذاری نموده، و محققان دیگر نیز که به او ارجاع داده‌اند، دچار خطا شده‌اند.

طراحی‌هایی است که امپراطوران چین را نشان می‌دهد و در دوران تیموری کار شده‌اند.^۱ این طراحی‌ها از برگ ۳۹۴ پ آغاز شده و تا برگ ۴۰۹ پ ادامه یافته، و شامل طراحی‌هایی از ۱۱۶ پیکر انسانی است. به‌طور معمول هر صفحه یک نقاشی دارد و تنها در صفحه ۳۷۶ پ دو نقاشی ایلخانی دیده می‌شود.

بر خلاف نقاشی‌های نسخه عربی جامع‌التواریخ، که ترکیب‌بندی‌های مربعی و پله‌دار نیز دارد، همه نقاشی‌های خزینه ۱۶۵۳ به‌صورت مستطیل‌های افقی طراحی شده‌اند که به اندازه عرض فضای نوشتار کشیده شده‌اند. تنها استثنا نگاره «چهار میمون در کوه‌های هند» است که در گوشه سمت چپ و پایین فضای نوشتار برگ ۴۲۵ پ رسم شده است.

در ۱۶۳ برگ آغازین نسخه که توسط حافظ ابرو کتابت شده است، ۳۵ نگاره دیده می‌شود. بیشترین میزان تصاویر این اوراق، در بخش تاریخ پیشدادیان، با هفت نگاره در طول پانزده برگ عرضه شده است. سپس چهار نگاره ایلخانی در ارتباط با غزوات حضرت رسول^(ص) (اوراق ۱۶۵ پ-۱۷۰ پ) می‌آید. نود و هفت برگ که در ادامه قرار گرفته شامل تاریخ اواخر حیات حضرت محمد^(ص) و دوران امویان و عباسیان است که فاقد تصویر است. بخش تاریخ غزنویان (اوراق ۲۶۷ پ-۳۰۲ ر) ۲۲ نگاره ایلخانی دارد. به‌علاوه، برگ ۲۸۵ ر که تنها برگ شاه‌رخ‌ی این بخش می‌باشد با یک نقاشی مصور شده است. فصل سلجوقیان (اوراق ۳۰۲ پ-۳۲۸ ر) با پانزده نقاشی ایلخانی آراسته شده است. بخش تاریخ خوارزمشاهیان دو نقاشی ایلخانی و سه نقاشی تیموری دارد و تاریخ سلغریان فاقد تصویر است. تاریخ اسماعیلیان و فاطمیان (اوراق ۳۴۲ پ-۳۷۵ ر) با نوزده نقاشی ایلخانی از قسمت‌هایی است که بسیار پُر تصویر است. آخرین گروه نگاره‌های ایلخانی نسخه، هفت نقاشی روی چهار برگ متوالی در آغاز بخش تاریخ اغوز (اوراق ۳۷۵ پ-۳۷۸ پ) می‌باشد (تصویر ۴). مابقی برگ‌های بخش تاریخ اغوز، اگرچه در ربع رشیدی کتابت شده‌اند، حاوی پنج نقاشی است که در کتابخانه شاه‌رخ کار شده‌اند. این نقاشی‌ها در فضاهای خالی‌ای افزوده شده‌اند که کاتبان ربع رشیدی برای تصویر در نظر گرفته بوده‌اند، اما نسخه

۱. اتینگهاوزن و اینال تعداد نقاشی‌های نسخه را ۱۴۲ ذکر کرده‌اند، حال آن‌که این تعداد، برگ‌های مصور نسخه است است نه شمار نگاره‌ها. بر ۱۱۵ صفحه نسخه، ۱۱۶ نگاره روایت‌گرانه نقاشی شده است. اگر ۱۱۵ را به ۲۷ صفحه طراحی‌های امپراتوران چین اضافه کنیم نتیجه ۱۴۲ می‌شود (Ettinghausen, 1955: 30; Inal, 1965: 41).

ناتمام مانده است. همین طور، تمام طراحی‌های تاریخ چین در کتابخانه شاهرخ روی فضاهای خالی کاغذهای رشیدی کار شده‌اند.^۱ دو بخش آخر، یعنی تاریخ افرنج و هند، در کتابخانه شاهرخ به نسخه افزوده شده است. درست در مقابل نسخه جامع التواریخ خزینه ۱۶۵۴، تاریخ افرنج فقط با یک نگاره و تاریخ هند تنها با دو نگاره مصور شده است.^۲

آخرین نقاشی کتاب (درویشی که در هند به پادشاهی رسید، برگ ۴۲۹ پ) که بزرگ‌ترین نگاره شاهرخ این نسخه است، به طور معناداری حاوی کتیبه‌ای در مدح شاهرخ است (تصویر ۵). در حقیقت می‌توان این کتیبه را به صورت تلویحی انجامه نهایی نسخه تلقی نمود که تلاشی برای انتساب این کتاب به شاهرخ است. این کتیبه که بر دیوارهای داخلی یک قصر نقش بسته است، چنین خوانده می‌شود: «السلطان الاعظم مالک رقاب الامم مولی ملوک العرب و العجم ظل الله فی الارضین قهرمان الماء و الطین سلطان بن السلطان شاهرخ بهادر خان خلد الله ملکه و سلطانه».

اجزاء قسمت‌هایی از خزینه ۱۶۵۳ که محصول ربع رشیدی است بدین شرح است: از برگ ۱۶۴ (ذکر غزوة بدر) تا برگ ۲۱۹ پ (ذکر ابتدای دولت بنی عباس و انتهای دولت بنی امیه)، از برگ ۲۲۷ ر (ذکر حوادث سنه سبع و مأتین) تا برگ ۲۸۴ پ (خروج ابو ابراهیم اسماعیل بن نوح)، از برگ ۲۸۶ ر (ذکر امراء سامانی و مقادیر دولت ایشان) تا برگ ۳۲۷ پ (خاتمت کار طغرل)، از برگ ۳۲۹ پ (تاریخ خوارزمشاهیان) تا برگ ۳۴۱ پ (پایان تاریخ سلغریان)، از برگ ۳۴۳ ر (تاریخ اسماعیلیان) تا برگ ۴۱۰ پ (پایان تاریخ چین). مابقی اوراق نسخه در دوره تیموری بدان افزوده شده است. در مجموع، تعداد ۲۳۷ برگ از این نسخه در ربع رشیدی کتابت شده است.

خزینه ۱۶۵۳ در کتابخانه شاهرخ

تیمور پیش از مرگش نوه خود پیرمحمد را به عنوان جانشین منصوب نمود، اما وی پیش

۱. برای چاپ عکسی تصاویر تمام صفحات تاریخ چین، نک: Jahn, 1971: pls. 1-38.

۲. بخش تاریخ افرنج در خزینه ۱۶۵۴ روی ۶۶ صفحه (از برگ ۲۹۵ پ تا برگ ۳۲۸ ر) کتابت شده که ۵۵ برگ آن مصور است. تعداد ۳۵ صفحه از این زیرفصل در خزینه ۱۶۵۴ توسط کارل یان چاپ شده است (Jahn, 1977: pls. 1-56). بخش تاریخ هند در خزینه ۱۶۵۴ حداقل ۲۳ تصویر دارد که اینها نیز توسط کارل یان چاپ شده است (Jahn, 1965: 55-81).

از رسیدن به تخت شاهی، در ۸۰۹ق توسط وزیرش پیرعلی تاز به قتل رسید. دو سال بعد، شاهرخ توانست تمام رقیبان را، به نفع خود از میدان به در کند. شاهرخ که جانشین مشروع پدرش نبود به خوبی از اهمیت نسخ خطی تاریخی در مشروعیت بخشی به حکومت خود واقف بود. مهم ترین سفارش ادبی او حفظ و احیا و نیز نگارش ادامه آثار رشیدالدین بود. هر سه نسخه جامع التواریخ تولید شده در ربیع رشیدی که به دست ما رسیده (نسخه عربی، خزینه ۱۶۵۳ و خزینه ۱۶۵۴) روزگاری در تملک کتابخانه شاهرخ بوده است. این نسخه ها ابزاری برای اتصال سلسله تیموریان با ایلخانان بوده است. جامع التواریخ، به خصوص جلد اول آن که در تاریخ مغولان و اولاد چنگیزخان بود، اهمیت زیادی هم برای تیمور و هم برای شاهرخ داشت، زیرا آنان خود را از نوادگان چنگیز می دانستند. اهمیت جلد اول جامع التواریخ (به نام تاریخ مبارک غزانی) برای شاهرخ از آنجا آشکار می شود که امروزه حداقل دو نسخه از آن به جای مانده که به سفارش وی استنساخ شده است. اولی نسخه ای مصور در کتابخانه ملی پاریس (به شماره ۱۱۱۳ Sup. Per.)^۱ و دومی نسخه ای غیر مصور که در کتابخانه بریتانیا (به شماره Ms. Add. 7628) نگهداری می شود.^۲

یکی دیگر از علل علاقه شاهرخ به کتب تاریخی و سفارش تألیف متون متعدد در این موضوع را باید در احوال شخصی وی جستجو کرد. به اعتراف مورخان معاصر شاهرخ، وی مردی متدین و در انجام واجبات شریعت بسیار راسخ بود. او همچنین قوانین یاسای

۱. نسخه جامع التواریخ کتابخانه ملی پاریس ۲۸۵ برگ و ۱۱۳ نگاره دارد و بدون تاریخ است. فرانسیس ریشارد در کتیبه های نگاره دو صفحه ای «فتح بغداد» در این نسخه، نام «سیف الواحدی» را خوانده است. از آنجایی که این نام در «عرضه داشت» جعفر بایسنغری هم آمده، وی این کتاب را به کارگاه هنری بایسنغر منسوب کرده است. اما از آنجایی که کیفیت تصاویر این نسخه در مقایسه با تولیدات هنری کارگاه بایسنغر بسیار پایین تر است، نمی توان آن را به کتابخانه بایسنغر منتسب نمود. به علاوه، ذکر نام سیف الواحدی در عرضه داشت جعفر بایسنغری به این معنا نیست که او تنها برای بایسنغر کار کرده است. بر اساس اطلاعات موجود، حداقل دو هنرمند را می توان نام برد که برای شاهرخ و بایسنغر هر دو کار کرده اند: مولانا خلیل نقاش و مولانا معروف خطاط. بر خلاف نظر ریشارد، محققانی چون ارنست گروبه، الینور سیمز، و ریچارد ایتینگهاوزن به درستی اشاره کرده اند که نقاشی های این نسخه از نظر سبک شناسی، قرابت بسیار زیادی با تولیدات کارگاه هنری شاهرخ دارند (نک: Ettinghausen, 1955: 37; Grube, & Sims, 1979: 150; Richard, 1997: 76).

۲. این کتاب فاقد تاریخ است، اما اثر مهرهای کتابخانه شاهرخ بر برگ های ۱۵۷، ۵۲۴، ۶۲۳ و ۷۲۸ پ نقش بسته است. برای وصف تفصیلی این نسخه نک: Rieu 1879, vol. 1: 74-78. این نسخه به صورت آنالین در نشانی ذیل قابل مشاهده است (تاریخ دسترسی: شهریور ۱۳۹۶):

چنگیزی را که در زمان پدرش نیز اجرا می‌شد منسوخ، و شریعت اسلامی را جایگزین آن کرد (یارشاطر، ۱۳۴۴: ۴۶؛ نیز نک: خواندمیر، ۱۳۸۰: ۵۲۲). او به سبب همین معتقدات دینی همواره سفارش‌دهنده و حامی کتب تاریخی، مذهبی و علمی بوده و برعکس پسرانش به سفارش آثار منظوم راغب نبود.^۱

احتمالاً نسخ جامع التواریخ کتابت شده در ربیع رشیدی طی یکی از لشکرکشی‌های سه‌گانه شاهرخ به آذربایجان، به هرات منتقل شد. نسخه عربی این اثر که امروزه در دو بخش در کتابخانه دانشگاه ادینبرو و مجموعه خلیلی نگهداری می‌شود، ممه‌ور به مهر کتابخانه شاهرخ است.^۲ نسخه خزینه ۱۶۵۴، اگرچه مهر یا نوشته‌ای ندارد که ثابت کند زمانی متعلق به دربار شاهرخ بوده، اما شباهت بسیار زیاد سبک برخی از نقاشی‌های این نسخه با دیگر نقاشی‌های تولیدشده در کارگاه هنری شاهرخ، دلالت بر این دارد که این نسخه نیز روزگاری در آن دربار بوده است. در اولین صفحه خزینه ۱۶۵۳، شمس‌ای به چشم می‌خورد حاوی کتیبه‌ای به خط ثلث سفید در زمینه‌ای طلایی با این مضمون: «برسم خزانه السلطان الاعظم الاکرم شاهرخ سلطان خلد ملک». در قسمت پایین شمس‌ای نیز مهر کتابخانه شاهرخ با عبارت «من کتب خزانه السلطان الاعظم شاهرخ بهادر» نقش بسته است (تصویر ۶).

۱۸۴ برگ نسخه به خط حافظ ابرو (اوراق ۱پ-۱۶۳پ، ۲۲۰ر-۲۲۶پ، ۲۸۵، ۳۲۸، ۳۴۲ و ۴۱۱ر-۴۲۱پ) و چهارده برگ آن توسط یکی از خطاطان کتابخانه شاهرخ کتابت شده است (اوراق ۴۲۲پ-۴۳۵پ). شش صفحه کتاب مذهب است که تنها دو صفحه اول آن محصول کارگاه هنری شاهرخ است. همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد، بقیه تذهیب‌های نسخه که شامل چهار سرلوح است در دوران صفوی بدان افزوده شده است (تصویر ۴).^۳ همچون تذهیب‌هایی که در همان زمان در هرات کار شده، رنگ غالب تذهیب‌های دوروی برگ اول طلایی و لاجوردی است.

۱. از آثار منظومی که به سفارش شاهرخ تولید شده است می‌توان به دو نسخه مصور خمسة نظامی اشاره نمود. اولی در موزه لنینگراد محفوظ است و دومی در سال ۱۹۹۶ در حراجی بونهایمز ارائه شده است (نک: Adamova, 2001; Sims, 1996). برای اطلاعات بیشتر درباره تولید کتاب تحت حمایت شاهرخ نک: Ghiasian, 2018a.

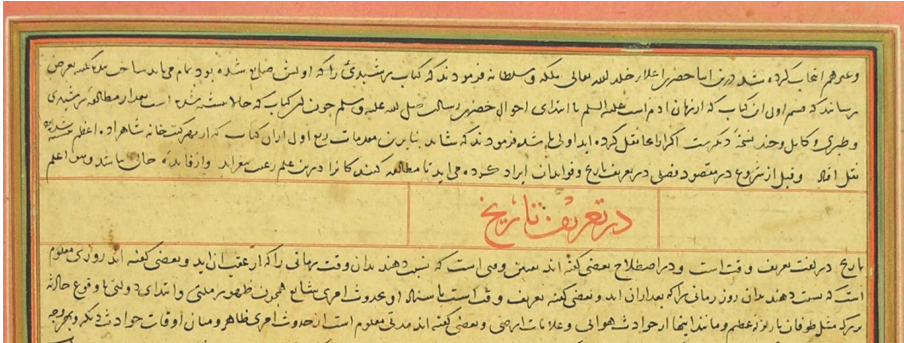
۲. مهر کتابخانه شاهرخ بر برگ ۲۵۱ از نسخه عربی جامع التواریخ محفوظ در مجموعه خلیلی، نقش بسته است (برای چاپ تصویری آن نک: Blair, 1995: fig. 19).

۳. این صفحه‌های مذهب در آغاز چهار زیرفصل نسخه قرار دارند: برگ ۶ (ابتدای خلقت)، برگ ۳۷۵ (ترکان اغوز)، برگ ۳۹۱ (تاریخ خطای) و برگ ۴۲۲ (تاریخ هند).

نتیجه‌گیری

تاریخ‌نگاری در دوره ایلخانی بیش از پیش شکوفا شد و متون تاریخی نه تنها به عربی، بلکه به فارسی نیز به نگارش در آمد و محتوای آن محدوده‌ای وسیع‌تر، یعنی تاریخ جهان، را در بر گرفت. اهمیت دادن به تاریخ‌نگاری، نه تنها به سبب ویرانی‌های حملات مغولان، بلکه به خاطر حکمرانی غیرمسلمانان بر ایران پس از شش قرن لازم بود. بنابراین رشیدالدین با تألیف کتب تاریخی و مذهبی گامی در جهت مشروعیت‌بخشی به حکومت ایلخانان برداشت. یک قرن بعد، شاهرخ که جانشین قانونی پدرش، تیمور، نبود تلاش کرد تا خود را جانشین مسلمان و برحق سلاطین ایلخانی معرفی کند. به همین دلیل، وی لقب «پادشاه اسلام» را که پیش‌تر لقب غازان خان بود، برای خود برگزید (نک: Melville, 1990) و (Subtelny & Khalidov, 1995: 211-212). از طرف دیگر، وی به خوبی از اهمیت کتب تاریخی - مذهبی برای مشروعیت‌بخشی به حاکمیت خود و یافتن جایگاهی مناسب برای آن در تاریخ اسلام مطلع بود. کتاب‌هایی چون جامع‌التواریخ و مجمع‌التواریخ، که با تاریخ پادشاهان و پیامبران مرتبط بودند، از مطلوب‌ترین گونه کتاب‌ها برای استتساح تحت حمایت شاهرخ به عنوان پادشاه اسلام بودند. علاقه شاهرخ به موضوعات جامع‌التواریخ سبب شد تا حافظ ابرو را مأمور تألیف نسخه‌ای مبسوط‌تر از شاهکار رشیدالدین کند. در نتیجه مجمع‌التواریخ با حجمی حدود چهار برابر اثر رشیدالدین تحریر شد. به علاوه، یکی از مهم‌ترین وظایف کتابخانه شاهرخ، نگهداری و تکمیل نسخه‌های ناقص جامع‌التواریخ کتابت‌شده در ربع رشیدی بود.

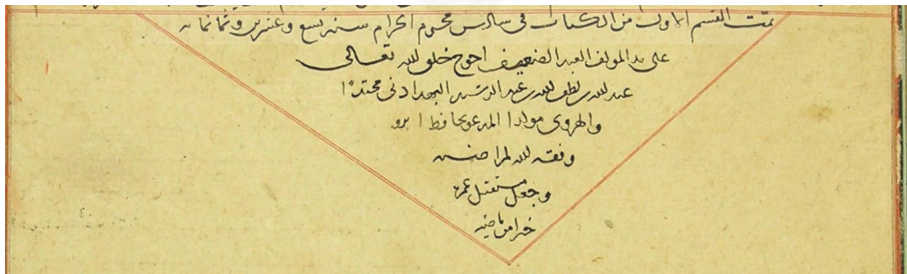
تکمیل و نوسازی نسخه خطی دوره ایلخانی در کتابخانه شاهرخ لزوماً نه به نیت «حفاظت میراث گذشته» و یا حتی «تصاحب» آن بوده، بلکه می‌نماید که تفکرات سیاسی و ایدئولوژیکی باعث نوعی «از آن خود سازی» شده است. نسخه خزینه ۱۶۵۳ یکی از مواردی است که به خوبی این فرضیه را تقویت می‌کند. اگرچه حافظ ابرو به بخش پیش از اسلام جامع‌التواریخ دسترسی داشته، اما آن را با مجمع‌التواریخ خود جایگزین می‌کند که شامل مقدمه‌ای مفصل در باب مملکت‌داری و نیز محامد شاهرخ است. علاوه بر این، بزرگ‌ترین - و شاید آخرین - نقاشی کتاب «درویشی که در هند به پادشاهی می‌رسد» حاوی کتیبه‌ای در مدح شاهرخ است. تمام اینها نشان‌دهنده تلاش‌هایی برای «از آن خود سازی» یک اثر تاریخی از قرن پیشین به نیت مشروعیت‌بخشی به حکومت شاهرخ است.



تصویر ۱. خزینه ۱۶۵۳، جزئی از برگ ۳پ، عکس: کتابخانه کاخ توپکاپی



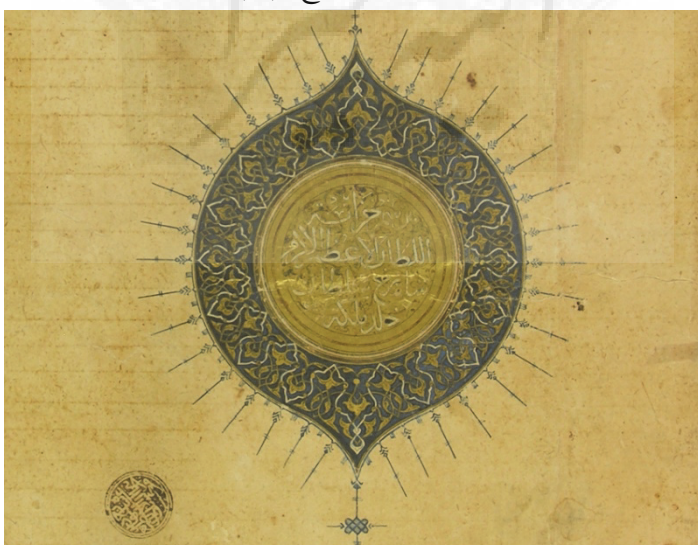
تصویر ۲. خزینه ۱۶۵۳، جزئی از برگ ۳۷۵ر، عکس: کتابخانه کاخ توپکاپی



تصویر ۳. خزینه ۱۶۵۳، جزئی از برگ ۱۴۸ر، عکس: کتابخانه کاخ توپکاپی



تصویر ۵. «درویشی که در هند به پادشاهی رسید»، خزینه ۱۶۵۳، جزئی از برگ ۴۲۹ پ،
عکس: کتابخانه کاخ توپکاپی



تصویر ۶. خزینه ۱۶۵۳، جزئی از برگ ۱۱، عکس: کتابخانه کاخ توپکاپی

منابع

- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین (۱۳۸۰). تاریخ حبیب‌السیر فی اخبار افراد بشر، ج ۳، زیر نظر محمد دبیرسیاقی، تهران: خیام.
- رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۱۳۹۴). جامع‌التواریخ (تاریخ مبارک غزالی)، ج ۴، تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- _____ (۱۳۹۲). جامع‌التواریخ (تاریخ ایران و اسلام)، ج ۳، تصحیح محمد روشن، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- روشن، محمد و مصطفی موسوی (۱۳۹۴). «پیش‌گفتار» ← رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۱۳۹۴)
- کی‌نژاد، محمدعلی، و آریتا بلالی اسکویی (۱۳۹۰). بازآفرینی ربیع رشیدی بر اساس متون تاریخی. تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری متن.
- یارشاطر، احسان (۱۳۴۴). شعر فارسی در عهد شاهرخ (نیمه اول قرن نهم) یا آغاز انحطاط در شعر فارسی. تهران: دانشگاه تهران.
- Adamova, Adel (2001). "The Hermitage Manuscript of Nizāmī's *Khamsa* Dated 835/1431". In *Islamic Art: Studies on the Art and Culture of the Muslim World*, vol. 5, eds. Ernst J. Grube & Eleanor Sims, 53-132. Oxford: Oxford University.
- Aga-Oglu, Mehmet (1934). "Preliminary Notes on Some Persian Illustrated MSS. in the Topkapu Sarayi Müzesi: Part I." *Ars Islamica* 1, no. 2, 183-199.
- Blair, Sheila S. (1995). *A Compendium of Chronicles: Rashid al-Din's Illustrated History of the World*. London: Nour Foundation.
- _____ (1984). "Ilkhanid Architecture and Society: An Analysis of the Endowment Deed of the Rab'-i Rashīdī." *Iran* 22, 67-90.
- _____ (1996). "Patterns of Patronage and Production in Ilkhanid Iran: The Case of Rashid al-Din." In *The Court of the Ilkhans 1290-1340*, eds. Julian Raby & Teresa Fitzherbert, 39-62. Oxford: Oxford University.
- _____ (2007). "Writing and Illustrating History: Rashīd al-Dīn's *Jamī' al-Tavārīkh*." In *Theoretical Approaches to the Transmission and Edition of Oriental Manuscripts, Proceedings of a Symposium Held in Istanbul, March 28-30, 2001*, eds. Judith Pfeiffer & Manfred Kropp, 57-66. Beirut: Ergon.
- Boyle, John Andrew (1971). "Rashīd al-Dīn: The First World Historian." *Iran* 9, 19-26.
- Browne, Edward G. (1908). "Suggestions for a Complete Edition of the *Jamī'u't-Tawarikh* of Rashidu'd-Din Fadlu'llah." *Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland*, 17-37.

- Dorn, Bernhard, and Reinhold Rost (1852). *Catalogue des Manuscrits et Xylographes Orientaux de la Bibliothèque Impériale Publique de St. Pétersbourg*. St. Pétersbourg: Imprimerie de l'Académie Impériale des Sciences.
- Ettinghausen, Richard (1955). "An Illuminated Manuscript of Hāfiz-i Abrū in Istanbul. Part I." *Kunst des Orients* 2, 30–44.
- Ghiasian, Mohamad Reza (2015). "The 'Historical Style' of Painting for Shahrukh and Its Revival in the Dispersed Manuscript of *Majma' al-Tawarikh*." *Iranian Studies* 48, no. 6, 871-903.
- _____ (2018a). *Lives of the Prophets: The Illustrations to Hafiz-i Abru's "Assembly of Chronicles"*. Leiden: Brill (in press).
- _____ (2018b). "The Topkapı Manuscript of the Jami' al-Tawarikh (Hazine 1654) from Rashidiya to the Ottoman Court: A Preliminary Analysis", *Iranian Studies* (published online: 19 Feb 2018, <https://doi.org/10.1080/00210862.2018.1428085>).
- Grube, Ernst J. in collaboration with Eleanor Sims (1979). "The School of Herat from 1400 to 1450". In *The Arts of the Book in Central Asia 14th–16th Centuries*, ed. Basil Gray, 147–178. Paris: Unesco.
- Hoffmann, Birgitt (1997). "The Gates of Piety and Charity: Rašīd al-Dīn Faḍl Allāh as Founder of Pious Endowments." In *L'Iran Face à la Domination Mongole*, ed. Denise Aigle, 189-202. Téhéran: Institut Français de Recherche en Iran.
- Inal, Güner (1975). "Artistic Relationship between the Far and the Near East as Reflected in the Miniatures of the Ğāmi' at-Tawārīḡ." *Kunst des Orients* 10, 108-143.
- Inal, Guner (1965). "The Fourteenth-Century Miniatures of the *Jami' al-Tavarikh* in the Topkapi Museum in Istanbul, Hazine Library, No. 1653." PhD diss., University of Michigan.
- Inal, Guner (1992). "Miniatures in Historical Manuscripts from the Time of Shahrukh in the Topkapi Palace Museum." In *Timurid Art and Culture: Iran and Central Asia in the Fifteenth Century*, eds. Lisa Golombek & Maria Subtelny, 103–115. Leiden: E. J. Brill.
- Inal, Guner (1963). "Some Miniatures of the *Jami' al-Tavarikh* in Istanbul, Topkapi Museum, Hazine Library No. 1654." *Ars Orientalis* 5, 163–175.
- Jahn, Karl (1971). *Die Chinageschichte des Rašīd ad-Dīn*. Wien: Österreichische Akademie der Wissenschaften.
- Jahn, Karl (1977). *Die Frankengeschichte des Rašīd ad-Dīn*. Wien: Österreichische Akademie der Wissenschaften.
- Jahn, Karl (1973). *Die Geschichte der Kinder Israels des Rašīd ad-Dīn*. Wien: Österreichische Akademie der Wissenschaften.
- Jahn, Karl (1969). *Die Geschichte der Oğuzen des Rašīd ad-Dīn*. Wien: Österreichische Akademie der Wissenschaften.
- Jahn, Karl (1965). *Rašīd-al-Dīn's History of India: Collected Essays with*

- Facsimiles and Indices*. London: The Hague.
- Karatay, Fehmi Edhem (1961). *Topkapı Sarayı Müzesi Kütüphanesi Farsça Yazmalar Kataloğu*. İstanbul: Topkapı Sarayı Müzesi.
 - Melville, Charles (2008). "Jāme' al-Tawārīk." In *Encyclopaedia Iranica*. vol. 14, ed. Ehsan Yarshater, 462-468. New York: Encyclopaedia Iranica Foundation.
 - Melville, Charles (1990). "Pādshāh-i Islām: The Conversion of Sultan Maḥmūd Ghāzān Khān." *Pembroke Papers* 1, 159-77.
 - Melville, Charles (2016). "Rashīd al-Dīn and the Shāhnāmeḥ." *Journal of the Royal Asiatic Society* 26, Issue 1-2, 201-214.
 - Milstein, Rachel (1986). "The Iconography of Moses in Islamic Art." *Jewish Art* 12-13, 199-212.
 - Natif, Mīka (2013). "Rashīd al-Dīn's Alter Ego: The Seven Paintings of Moses in the *Jāmi' al-tawārīkh*." In *Rashīd al-Dīn: Agent and Mediator of Cultural Exchanges in Ilkhanid Iran*, eds. Anna Akasoy, Charles Burnett & Ronit Yoeli-Tlalim, 15-37. London: The Warburg Institute.
 - Rice, David Talbot (1976). *The Illustrations to the "World History" of Rashīd al-Dīn*. Edinburgh: Edinburgh University.
 - Richard, Francis (1997). *Splendeurs Persanes: Manuscrits du XIIIe au XVIIe Siècle*. Paris: Bibliothèque Nationale de France.
 - Rieu, Charles (1879). *Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum*. vol. 1. London: British Museum.
 - Rosen, Victor (1971). *Les Manuscrits Persans de l'Institut des Langues Orientales*. vol. 3. Amsterdam: Celibus.
 - Schimmel, Annemarie (1990). *Calligraphy and Islamic Culture*. London: I.B.Tauris.
 - Sims, Eleanor (1996). "A Timurid Manuscript of Nizami's *Khamseh* from the Library of the Timurid Sultan Shah Rukh, Persia, circa 1420-1425." *Bonhams, Oriental and European Rugs and Carpets and Islamic Works of Art*, Lot 491 (October 15-16, 1996), 58-68.
 - Subtelny, Maria Eva and Anas B. Khalidov (1995). "The Curriculum of Islamic Higher Learning in Timurid Iran in the Light of the Sunni Revival under Shāh-Rukh." *Journal of the American Oriental Society* 115, no. 2, 210-236.